

### ارتش مصر مخالفین حکومت را قصابی می کند !

چند هفته گذشته رویدادهای کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه در صدر اخبار خبرگزاری های جهان قرار گرفت . در گزارشی از روزنامه گاردین (ترجمه بفارسی از حمید بهشتی) آمده است که ارتش مصر صدها نفر از معترضین رژیم مبارک را دستگیر کرده است و عده زیادی از آنها را شکنجه کرده است. در گزارش به نقل از سازمان دیدبان حقوق بشر آمده است که عده زیادی از مخالفین رژیم مبارک مفقود، دستگیر و به انواع مختلف شکنجه شده اند.

درگرمای گرم مبارزات کارگران و مردم زحمتکش مصر که علیه برپاکننده گان بساط فقر و سیاه روزی آنان صورت گرفت ، سرمایه داری و غاصبان اقتصادی مجبور شدند مبارک را فدا کنند تا کل نظام را حفظ کنند. برای زحمتکشان رفتن مبارک تازه آغاز راه بود. مبارک و نیروی گارد محدود نظامی اش درصاف مقدم سرکوب قرار گرفتند و نیروی اصلی نظامی یعنی ارتش را حفظ کردند. ارتش برادرم ملت را به حلقوم مبارزات اعتراضی کردند تا ارتش دست نخورده باقی بماند. همین مدل در انقلاب پنجاه و هفت ایران بکار رفت . از ارتش شاه برای ساختن سپاه ایدئولوژیک اسلامی پاسداران استفاده کردند و ارتش نظام را به نظام ارتش تبدیل کردند. تمام ارکانهای اصلی اقتصاد که منبع بیشترین سودآوری است بمرور دست سپاه متمرکز شد و اکنون سپاه است که سیاست تعیین می کند. همین تشابه در مصر البته منهای جنبه ایدئولوژیک بودن آن صادق است، البته نباید از یاد برد که ناصر، سمبل ناسیونالیسم نوین عرب خود افسر ارتش بود و یکی از مردمی ترین خواننده های مصر ام کلثوم ترانه های کمی برای ارتش خوانده است. داشتن نقش اقتصادی ارتش در مصر که رابطه مستقیم با آمریکا و سیاست های منطقه ای اش و نیز اسرائیل دارد برای سرمایه داری دارای جنبه استراتژیک نیز است و اینجا و در این زمان در خیلی از کشورها، دیگر ارتش فقط آلت سرکوب نیست ، سازماندهی اقتصاد هم هست. تاریخ مبارزات سیاسی توده های زحمتکش و خصوصاً آنجا که وارد فاز تغییر قدرت میشود نقش واقعی ارتش را در سرکوب به عینه نشان می دهد. سوسیالیست های کارگری تاریخ و مکرر به این نکته حیاتی گوشزد کرده اند که کارگران بدون درهم شکستن ماشین دولتی ، ارتش و کل سیستم سرکوب نمی توانند از پیروزی یک انقلاب صحبتی به میان آورند. کمون پاریس و سرنوشت خونبارش مثالی کلاسیک در این رابطه است. سرمایه داری هر چند با کل ماشین دولتی به سرکوب می پردازد ولی طبقه کارگر در انقلاب از ابزار کلیدی برخوردار است . اعتصاب می تواند سیستم سرمایه داری را فلج کند و تشکل های توده ای و سیاسی طبقه کارگر انقلاب را با نیروی مسلح خویش و در یک قیام مسلحانه به سرانجام برسانند. در جنبش توده ای مصر همانند انقلاب پنجاه و هفت سرمایه داری فرصت را خرید و ارتش را دست نخورده تا کنون حفظ کرده است. کارگران مصر با ادامه اعتصاب و سراسری کردن آن می توانند ارتش را به عقب نشینی وادارند و جنبش توده ای را از مسیر انقلاب عبور دهند. در غیر این صورت ورق که برگشت تمامی فعالین کارگری و معترضین در خطر دستگیری و با احتمال قوی اعدامهای جمعی قرار می گیرند و جنبش توده ای هر آنچه را که طی این مدت بدست آورده است تامل از دست خواهد داد. اکنون به نظر می رسد فضای سیاسی مصر پس از رفتن مبارک هنوز دو طرفی است از طرفی اعتصاب کارگری در جریان است و از طرف دیگر ارتش به کنترل اوضاع از هر طریق از جمله سرکوب نهان و آشکار می پردازد. بی شک جنبش توده ای در منطقه همان طور که یکی پس از دیگری حکومت ها را به لرزه انداخته است در صورت تداوم و در صورت اعتراض متشکل زحمتکشان و اعتصابات کارگری کار را برای سرمایه داری دشوار خواهد کرد.

### ژاپن، فاجعه پشت فاجعه از طبیعت تا سیاست !

صحنه های دلخراش و درد آور زلزله ، سونامی و تشعشع رادیواکتیو در ژاپن را همه جهان از طریق گزارش خبرگزاری ها تعقیب می کنند . جزیره کوچک و پر جمعیت سرزمین آفتاب تابان از همه سو به یکباره مورد هجوم قرار گرفت ، زلزله ۹ ریشتر و بلافاصله سونامی به ارتفاع ده متر و با سرعت ۸۰۰ کیلومتر در ساعت و اکنون انتشار اشعه رادیو اکتیو صدها هزار کشته ، زخمی ، آواره و مفقود را بدنبال داشته و دارد . زمامداران دولت ژاپن و دیگر دولت ها دست به دعا بردند و این افکار را که جبر و قهر طبیعت این فاجعه را آفریده است تقویت کردند . البته کسی نمی تواند منکر حوادث طبیعت شود اما با اتکا به علوم و منجمله علم زمین شناسی آگاهی از تغییرات درونی کره زمین مقدور است . و می باید حرص و آز سرمایه داران را نیز در به خرابی و ویرانی کشیدن طبیعت در نظر گرفت . این آگاهی امروزه و در سیستم موجود سرمایه داری نسبت به سیستمهای پیشاسرمایه داری بسیار فراتر رفته است ، و می توان به قوانین طبیعت به ساده گی پی برد. اما آنچه در مقابل غلبه انسان بر طبیعت جان سختی می کند و مانع عمده در

سر راه رفاه و آسایش بشریت است همین نظام برده گی سرمایه داری است که سود آوری هدفش است ، و انسانها را نه تنها استثمار می کند حتی آنها را در مقابل طبیعت شکننده می کند. درست مانند علم اجتماعی که انقلابات و تحولات در مناسبات بشری را امری ضروری می داند در طبیعت نیز این تغییرات قطعی است . گرمای هسته زمین ، سیل ، زلزله ، سونامی ، جابجایی و حرکت در سطح زمین ، آتشفشان و غیره که در دوره های مختلف و ناگهانی ظهور می کنند اتفاقی نیست و وقوع آنها دارای سیری منطقی است . شاید هنوز نتوان وقوع دقیق آنها را پیش بینی کرد ولی احتمال بالایی از آن مقدور است . امروزه علم زمین شناسی و فیزیک به تشخیص اینکه علائم وقوع زلزله چیست ، کدام مناطق را در بر می گیرد ، یا حرکت زلزله دریایی دارای چه ارتفاع و سرعتی است رسیده است و می توان آسیب ناشی از آنها را به حداقل رسانید . نظام سود دهی سرمایه داری با توجه به سطح امکانات و پیشرفت های علمی موجود از آنجا که آنها را در خدمت به رفاه و آسایش بشر قرار نمی دهد خود مانع اصلی برای اهداف بشر، نه فقط در استفاده از امکانات طبیعت بلکه در ارتقا دانش آنهاست . تغییرات دوره ای و ضروری زمین مدتهاست توسط دانشمندان این رشته گوشزد شده است ، از جمله وقوع زلزله و سونامی در سالهای اخیر و حتی خود ژاپن که نه تنها منطقه ای زلزله خیز است بلکه از آنجا که جزیره ای در کنار اقیانوس پاسفیک است ، احتمال صعود آب در آنجا همیشه بالا بوده است . اختصاص بودجه برای این امر در ژاپن به نسبت جاهای دیگر بیشتر بوده است ولی در مقایسه با تولید انبوه اتوموبیل برای سود آوری در همان ژاپن بی شک پایین تر بوده است و این منطق نظام سرمایه داری است .

بعد از زلزله و سونامی اکنون خطر احتمال انفجار ، اختلال در نیروگاههای اتمی و تشعشع رادیوآکتیو مردم ژاپن را هراسان و تمام دنیا را نگران کرده است . خود وجود نیروگاههای اتمی در تمام دنیا امروز معضلی شده است ، اگر تولید انرژی و برق ابتدا ایجاد آنها را ضروری کرده بود و با همان هدف تعریف شده بود اکنون خطرات بمراتب بیشتر آن برای بشریت محرض شده است . البته اینجا صحبت از نیروگاه اتمی با انرژی مافوق برای تولید وسائل کشتار بشری که در کشورهایی از جمله در امریکا و فرانسه و... هزینه هنگفتی را بخود اختصاص داده است نشده است . انفجار نیروگاه چرنوبیل در بیست و پنج سال قبل زنگ خطری برای موجودات زنده نباتی و گیاهی بود و افکار بشریت مترقی جهان بخصوص در اروپا را به خود جلب کرد . از کار انداختن نیروگاههای اتمی و جایگزینی تولید انرژی از راههای دیگر از جمله خورشیدی و بادی و تخصیص امکانات به آن در حد تولید برای رفع نیاز جامعه آلترناتیوی است که اکنون ارائه می شود. نیروگاههای اتمی فعلی در صورت پوسیده گی و در صورت حوادثی شبیه ژاپن تشعشع رادیو آکتیو را که سلولهای موجود زنده را سرطان زا میکند و تولید مثل موجودات و منجمله بشر را مختل می کند و تاثیر خود را نسل ها بر انسانها می گذارد منتشر می کند و نیز دفن مواد زائد آن مسئله ساز است . نشت مواد رادیو آکتیو در نیروگاه اتمی ژاپن عکس العمل هایی را بدنبال داشت و آن اعتراضات مختلف در اروپا از جمله فرانسه و آلمان بود. تا همین چندی پیش دولت مرکل در آلمان که از فعال نگهداشتن نیروگاههای اتمی دفاع می کرد (بیست درصد برق آلمان که صادراتی نیز است از این طریق تامین می شود) اکنون تحت فشار اعتراضات و با مراجعه به حوادث ژاپن راکت کردن نیروگاههای قدیمی به مدت سه ماه را در دستور گذاشتند و آن هم تحت عنوان بازرسی دوباره آنها و اطمینان از عدم پوسیده گی قطعات آن. آژانس اتمی که سازمان جهانی برای کنترل نیروگاههای اتمی در جهان است و گویا نحوه ، میزان و کاربرد تولید انرژی در کشورها بازرسی می کند زیر نظر سازمان ملل است و همچون دیگر ارگانهای جهانی تابع سیاست های غالب و دینفوذ جهانی است و گزارش هایش در پرده ای از ابهام و دور از انظار عمومی در اختیار دولت های سرمایه داری است . نام آژانس اتمی در سالهای اخیر در رابطه با سیاست های رسمی رژیم جمهوری اسلامی زیاد به کار گرفته شده است و از نیروگاه بوشهر و فعال کردن اورانیوم، توسط این آژانس گزارشی گیر مردم در ایران و جهان نیافتاده است برعکس مسئله اتمی ایران میدانی است که در آن هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و هم دولت های امپریالیستی در پس آن سیاست خارجی و رسمی خود را برای گرفتن امتیاز بیشتر از هم شکل می بخشند . ، حال از این می گذریم که کشور اسرائیل نه فقط نیروگاه اتمی دارد بلکه تنها کشور منطقه است، البته بحر هند و پاکستان، که بمب اتمی دارد و هیچگونه بازرسی را نیز بر نمی تابد و آژانس نیز سکوت پیشه کرده است. با تحولی انقلابی در ایران شاید بتوان نیروگاهها را با جدیدترین و بی خطرترین روشها در خدمت به رفاه و آسایش جامعه در آورد و به منبع قابل اتکایی برای بشریت صلح دوست تبدیل کرد. تظاهرات و اعتراضات به سیاست های تقویت نیروگاههای اتمی مانند اعتراضات در کشورهای آلمان ، فرانسه و ژاپن به دولت ها می بایست گسترش یابد و دولت ها و شرکت های بزرگ سرمایه داری را که به منظور کسب سود بیشتر جان و هستی انسانها را به خطر می اندازند به عقب نشینی واداشت.